



## گفتگو/ اسلام، تنها راه حل معضلات اقتصادی

پدیدآورنده (ها): ابوالسعود، محمود؛ شیخی، حمید رضا

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: تابستان ۱۳۷۱ - شماره ۳۵ (ISC)

صفحات: از ۱۱۰ تا ۱۱۵

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58891>

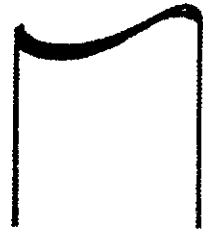
تاریخ داندلود: ۱۴۰۵/۰۱/۲۱

**کاربر گرامی، فایل داندلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تنها راه حل رفع مشکلات اقتصادی کشور؛ سیاستگذاری اقتصادی براساس مبانی و اصول اقتصاد اسلامی
- میزان بی عدالتی در آمریکا از اروپا پیشی گرفته است؛ مالیات بر ثروت، راه حل نابرابری اقتصادی
- گفتگو با برادر مجید انصاری ممبر کمیسیون اقتصادی و دارائی مجلس شورای اسلامی تا زمانیکه ثروتهای انباشته در دست متروفرین و سرمایه داران است نمی توان ادعا کرد اسلام را پیاده کرده ایم (در زمینه محور برنامه ریزی های اقتصادی و رفع تبعیضهای اجتماعی و علت تاخیر اجرای طرحها)
- تبیین علم خداوند با علوم مخلوقی؛ تنها راه حل اشکال جبر برخاسته از علم پیشین الهی
- راه حل هند برای توانمند سازی : پول گرم یا پول سرد الگوی تامین منابع مالی در توانمند سازی اقتصادی ساکنین بافت های مسئله دار شهری هند
- تحلیل از مذاکرات در خصوص سوریه در گفتگو با حسین رویوران کارشناس مسائل بین المللی و منطقه ای؛ ایران بخشی از راه حل سوریه
- معرفی کتاب: اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر علل، روندها و راه حل ها
- مسایل اقتصادی، راه حل اقتصادی می خواهند
- کنش و انسان به مثابه علم؛ راه حل مسائل اجتماعی و اقتصادی ما
- راه حل تعاونی مسایل اقتصادی



گفتگو

دکتر محمود ابوالسعود  
ترجمه حمیدرضا شیخی  
گروه ترجمه عربی

# اسلام‌تباران را حل معضلات اقتصادی ما\*



با وجود آن که کشورهای عربی از ثروتهای سرشار مادی و نیروی فراوان انسانی برخوردارند، متأسفانه گرفتار اقتصاد بیمار و نابسامانی هستند به طوری که با هر رویداد یا تصمیمی در شرق یا غرب عالم، به لرزه درمی آیند.

آنچه می‌خوانید گفتگویی است با دکتر (محمود ابوالسعود)، یکی از اندیشمندان مسلمان و متخصص علوم اقتصادی پیرامون مسائل اقتصادی دنیای عرب و مهم‌ترین معضلات آنها:

س- به رغم تباین آشکار میان برنامه‌های اقتصادی کشورهای عربی، مشکلات اقتصادی این کشورها بسیار شبیه یکدیگر است. این پدیده را چگونه تفسیر می‌کنید؟  
ج- برنامه‌های اقتصادی متوقف بر چند امر است؛ اما پیش از پاسخ دادن به این پرسش باید مفهوم عبارت «برنامه‌های اقتصادی» را روشن کنیم. برنامه‌های اقتصادی عبارت است از یک رشته خط‌مشی‌ها و طرح‌ها به منظور حل مشکلات اقتصادی. بنابراین، به اعتقاد ما اختلاف و تباین این برنامه‌ها ناشی از اختلافات زیر است:  
۱- اختلاف روشها و الگوهای اقتصادی که کشورهای عربی از آنها دنباله‌روی می‌کنند. بر پاره‌ای از این کشورها روش سرمایه‌داری آزاد حاکم است که از دخالت دولت در امور اقتصادی تا حد ممکن، می‌کاهد. بعضی دیگر نیز از همین روش پیروی می‌کنند اما آن را

محدود و مقید می‌کنند که این قید و بندها نسبت به شرایط محیطی و اقتصادی شدت و ضعف دارد. کشورهای دیگری هم هستند که روش اقتصادی خود را از سوسیالیسم علمی می‌گیرند و از آن نوعی سوسیالیسم ویژه خود می‌تراشند، و سرانجام بعضی کشورها مانند مصر و غیره، ترکیبی از روشهای مختلف اقتصادی را برای خود برمی‌گزینند که نه این است و نه آن. به هر حال نظام اقتصادی حاکم بر کشورهای عربی را به لحاظ علمی نمی‌توان «سیستم اقتصادی» نامید؛ چون به هرج و مرج نزدیکتر است تا به نظام و سیستم.

۲- اختلافات فرهنگی و اجتماعی. بعضی از کشورهای عربی هستند که به دلیل برخورداری از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص، چهارچوب و پیکره اقتصادی مخصوص به خود و متناسب با تفکر ملت خویش را می‌طلبند و این البته طبیعی است، مثلاً برنامه‌های اقتصادی که در یمن اجرا می‌شود، عمدتاً ابتدایی است اما برنامه‌هایی که در اردن پیاده می‌شود بیشتر جنبه اجتماعی و مترقیانه دارد. و آنچه در مصر عملی می‌شود، خصلت آنارشیستی و هرج و مرج طلبانه بر آن غالب است و ...

۳- اختلاف در نظام سیاسی. تفاوت زیادی است میان برنامه‌هایی که رژیمهای نظامی یا سلطنتی به دنبال آند با برنامه‌هایی که کشورهای با رژیم دموکراسی پیاده می‌کنند؛ زیرا هدف رژیمهای نظامی یا سلطنتی در درجه اول تثبیت حاکمیت و تحکیم موقعیت خویش است و به رفاه مادی مردم اهمیتی نمی‌دهند، اما رژیمهای دموکراسی عملاً هدف بالا بردن سطح زندگی مردم را دنبال می‌کنند.

س- با وجود کوششهای متعدد کشورهای جهان سوم برای رهایی از وابستگی اقتصادی، اکثر این کشورها همچنان اسیر واقعیهایی ساخته دست کشورهای قدرتمند جهان هستند. اشکال این مسأله را در کجا می‌بینید؟

ج- اگر منظور تان از اشکال در این زمینه شکست کشورهای در حال رشد در پایان دادن به استعمار جدید اقتصادی است - که گمان می‌کنم منظور تان همین باشد - باید گفت این امر ناشی از سه عامل است:

۱- جهل و بیسوادی مردم این کشورها. برای انسان چیزی خطرناکتر از جهل نیست. با وجود این پدیده زشت، هر اندازه هم در راه استقلال این کشورها تلاش شود، باز هم فرد جهان سومی از گزند انواع متعدد وابستگی، اسارت و استثمار که حتی از طرف هموعاش متوجه او می‌شود در امان نخواهد ماند.

حقیقت آن است که رواج جهل و بیسوادی به این صورت زشت و زننده در کشورهای جهان سوم آن هم در قرنیه که وسایل آموزش چنان فراهم است که عملاً در طی يك نسل می‌توان سطح آموزش را بالا برد، جنایتی است از سوی حکام این کشورها. و گمان نمی‌کنم

که اینان در برابر خدا و تاریخ برای سر برتافتن از مسؤولیتهای خویش عذری موجه داشته باشند.

۲- تشها و اضطرابهای سیاسی. شکی نیست که این تنشها نیز با جهل و بیسوادی مردم ارتباط دارد؛ اگر بگوییم که بسیاری از رژیمهای این کشورها در رکاب یکی از کشورهای بزرگ خارجی حرکت می‌کنند و مجری سیاستها و مطیع فرامین آنان هستند، قطعاً رازی را برملا نکرده‌ایم. هیچ‌یک از این کشورها قدرت آن را ندارند که از فرمان حکومتهای بزرگ اجنبی که سطره و سلطه‌ای تردیدناپذیر بر آنها دارند، سر برتابند.

۳- آشفتگی در آرمان و اهداف اقتصادی و عدم وضوح یا تبلور روش و برنامه‌هایی که این کشورها بر اساس آن حرکت کنند و این همان نکته‌ای است که قبلاً به آن اشاره کردیم؛ گسستن زنجیر وابستگی اقتصادی جز با کار مستمر و مبتنی بر اهداف و آرمانهای اقتصادی میسر نیست. این کار برای ملت نوعی آزادی به ارمغان می‌آورد که او را وامی‌دارد تا به تلاش خود برای تحقق بخشیدن به هویت خویش و غلبه بر احساس کمبود در خود، ادامه دهد و در راه شکستن قید و بندهای وابستگی از هیچ‌گونه کوششی دریغ نرزد.

س- بسیاری از کسانی که راه‌حلهای لیبرالیستی یا سوسیالیستی را در کشورهای عربی و اسلامی پیشنهاد می‌کنند، می‌گویند شکستی که تجربه‌های گذشته در کشورهای لیبرالیستی یا سوسیالیستی ثابت کرده‌اند، بیش از آن که به معنای شکست این دو روش باشد به معنای شکست بی‌مطالعه فردی است. نظر شما در این باره چیست؟

ج- اصولاً علت شکست این مکاتب و روشها آن است که برآمده از عقاید و تاریخ ملت‌های ما و پاسخگوی خواستها و آمال آنها نیستند؛ با مردم بیگانه‌اند. نه ریشه در اندیشه‌های آنان دارند و نه از اعماق دل‌ها و زوایای سینه‌هایشان می‌جوشند. در این صورت آیا باز هم می‌توان برای این مکاتب و روشها در کشورهای عربی و اسلامی امید مؤقتیت داشت؟ سرمایه‌داران آزاد (لیبرالها) و سوسیال مارکسیستها به عقیده خود همان اندازه باور دارند که یک مؤمن معتبد به دین خود. عقیده آنان، برایشان هم عامل بازدارنده است و هم عامل پیش برنده، معیار آنان برای ارزیابی خوبیها و بدیهاست. چیزی را خوب می‌شمارند که معیارهای مکتبی ایشان خوب بشمارد؛ ولو آن چیز مخالف با قوانین طبیعی آفرینش و فطرت بشر باشد. این مکاتب و روشها در گذر زمان و بر زمینه‌تطور و تکامل تاریخی ملت‌هایی که آنها را پذیرفته‌اند، به وجود آمده است. بنابراین، اجرای آنها در میان ملت‌های دیگر علی‌الاصول با عقاید، عادات، ارزشها و آرمانهای ملل در حال رشد تعارض پیدا می‌کند و به صورت «پیکره‌ای» بی‌جان و عکسها و مجسمه‌هایی در می‌آیند که در دل‌های بینندگان مفهومی را باز نمی‌تابانند و احساسی را بر نمی‌انگیزند.

پیاده شدن این روشهای اقتصادی در کشورهای عربی و اسلامی عملی بدون مطالعه و فردی نبوده، بلکه بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی مشخص و معلوم انجام یافته است اما با وجود گذشت مدّت زمانی دراز از عملی شدن آنها، به دلایل یاد شده، از سوی ملت‌ها طرد شده است. س- شماری از پژوهشگران معتقدند که نخستین مشکل اقتصادی کشورهای عربی و اسلامی کمبود ثروت و امکانات نیست. به نظر شما راه ساختن اقتصادی سالم که موجب کاهش وابستگی و رشد تواناییهای ملی شود، چیست؟

ج- هیچ اقتصادی نیست که از خلأ گرفته شده باشد و یا در خلأ پیاده شود. اقتصاد یکی از چهار بُعد زندگی انسان را تشکیل می‌دهد: بُعد زیبایی دوستی، بُعد اجتماعی، بُعد سیاسی و بُعد اقتصادی. این چهار بُعد رنگ‌پذیر از آرمانی هستند که هر جامعه‌ای آن را می‌پذیرد تا با بهره‌گیری از آن، نظام خود را بی‌ریزد و به مقتضای آن نظام اسکلتهای خود را بنا کند. برای تحقق بخشیدن به اهداف آرمانی و تحکیم ریشه‌ها و رشد درخت آن، چرخ نظام به حرکت درمی‌آید و اسکلتهای به کار گرفته می‌شوند.

اقتصاد، بررسی مبادلات تولیدی یا مطالعه و سایل افزایش رفاه صرفاً مادی نیست، بلکه در درجه اول، مطالعه انسان و تنظیم فعالیت‌هایی است که وی در جهت برآوردن نیازهای مادی خود مصروف می‌دارد؛ نیازهایی که از ایمان وی به عقاید و آرمانهای دیرینه‌اش منشأ می‌گیرد. فراهم بودن ثروت و امکانات هرگز به معنای خودکفایی اقتصادی و یا حتی استقلال اقتصادی نیست.

اگر بخواهیم وابستگی اقتصادی را از میان برداریم باید نخست زنجیر وابستگی را که بر اندیشه‌های استعمار زده و افکار در اشغال بیگانه در آمده ما زده شده است، از هم بگسلیم و مستقلاً به مشخص کردن هدف و خواست خود از زندگی بپردازیم، یا باید این کارها را بکنیم و یا بدون داشتن هدفی روشن و آرمانی مشخص به زندگی خود ادامه دهیم که در این صورت هم سرانجامی جز وابستگی و شکست در پیش نخواهیم داشت.

س- اسلام چگونه می‌تواند در حل این معضلات مشارکت داشته باشد؟

ج- این که گنبد «معضلات» سخن حقی است و اما این که این معضلات به وسیله اسلام قابل حل هستند، این نیز سخن حقی است که باید خطوط و مشخصه‌های آن را دنبال کنیم. اینها معضل هستند چون اولاً اسلام به عنوان يك روش یا آرمان، در اندیشه‌های متفکران مسلمان هنوز روشن و مشخص نیست، چه رسد به توده مردم. ثانیاً اسلام به عنوان نظامی برای زندگی در موقعیتی قرار دارد که محسود دیگران واقع نمی‌شود؛ و این نیست مگر به سبب جمود و تحجر شماری از علما و فقهای بی‌خبر از واقعیت‌های موجود و مقتضیات قرن بیستم و طبیعت نوآوریهای کنونی؛ علما و فقهای بی‌خبر که سخت متمایل به پیروی از همان فتاوی پیشینان گذشته

هستند و آزاد اندیش‌ترین آنان حداکثر کاری که می‌کند ترجیح رأی یکی از ائمه فقه بر دیگری است.<sup>۱</sup>

در مورد قسمت دوم سؤال که آیا اسلام می‌تواند در حل معضلات اقتصادی کشورهای اسلامی مشارکت داشته باشد، باید بگویم که اسلام نه تنها می‌تواند در حل قطعی این معضلات سهمیم باشد بلکه به تنهایی می‌تواند آنها را حل کند و حتی به نظر من راه حلی جز اسلام برای این معضلات وجود ندارد. اسلام، تنها آرمانی است که در خرده‌ها و دلهای فرد فرد پیروانش جای گرفته است و تنها مکتبی است که با برنامه‌های خود انسان را از اسارت و وابستگی به انسان‌رهایی می‌بخشد. عملی شدن دستورات اسلام قطعاً موجب دگرگون شدن روابط کشورها با یکدیگر خواهد شد. بطوری که در دنیا دیگر آقا و برده و حاکم و محکوم باقی نخواهد ماند.

سخن را کوتاه کنیم. قضیه در يك امر خلاصه می‌شود و آن ضرورت وارد کردن اسلام به صحنه زندگی معاصر است. این ضرورت اقتضا می‌کند که گنجهای نهفته در دل اسلام استخراج و از نو به صورتی متدیک و سالم قالب‌ریزی شود و آن گاه برای بنیاد نهادن فقهی که پاسخگوی مشکلات معاصر باشد و همگام با پیشرفت و توسعه حرکت کند، دوباره به اجتهاد روی آوریم، بدون این اقدام نه تنها زنجیرهای وابستگی و عقب‌ماندگی گسسته نمی‌شود بلکه برای اسلام نیز در جهان سیادت نخواهد بود.

س- از صحبت‌های شما پیرامون بعضی فضای اسلامی این نکته کاملاً فهمیده می‌شود که اختلاف و پراکندگی همچنان مانع مهمی است بر سر راه متبلور شدن قانون اسلام. به نظر شما راه درمان این درد چیست؟

ج- درمان هر بیماری چیزی نیست جز برطرف کردن علتی که به آن بیماری انجامیده است. البته این به آن معنا نیست که من معتقدم محو هرگونه اختلاف میان مردم امکان‌پذیر است؛ هیچ عاقلی این تصور را به ذهن خود راه نمی‌دهد، بلکه منظورم اختلاف پیرامون مسائل اساسی و اصولی است. چنان که گذشت، ما در زمینه تحول اساسی روش و یا آرمان اسلامی با هم اختلاف نظر داریم. بعضی از ما همچنان گفته‌ها و آرای پیشینیان را دنبال می‌کنند و بعضی در مسیر دگرگونی چنان افراط می‌کنند که از اصول مقرر و مشخص نیز پا فراتر می‌گذارند و بعضی دیگر تنها به جزئیاتی پراکنده که در قالبی فراگیر و متکامل گرد آمده‌اند، بسنده می‌کنند.

۱- این مطلب تنها بر فقهای مذاهب اهل سنت که ملزم به تقلید پیشوایانشان هستند صدق می‌کند و در مورد فقهای شیعه که باب اجتهاد را مفتوح می‌دانند صادق نیست مگر این که کسی بخواهد تاجر و جمود از خود نشان دهد-م.

ما در بسیاری از احکام فریضه زکات با یکدیگر اختلاف داریم. در برداشت سیاسی از مفهوم دولت، و حقیقت قدرت، و مشخص کردن حقوق اساسی و واجبات، و مشروعیت قانونگذاری، و روابط قوای مقننه، قضائیه و اجرائیه با یکدیگر اختلاف نظر داریم. درباره معاملات اقتصادی معاصر و ارزیابی آنها به لحاظ حلیت و حرمت و استحباب و کراهت و اباحه، میان ما اختلاف نظر وجود دارد.

در مسائل مهم اجتماعی از قبیل حقوق و وظایف و رفتارها و اعمال لازم میان اعضای جامعه اسلامی، اعم از زن و مرد، اختلاف نظر داریم. و دیگر اختلافاتی از این قبیل که فراوان است.

اما این که چگونه می توان بر تمامی این اختلاف نظرها چیره شد، به نظر من این امر جز با بحث و تحقیق بیطرفانه و بدون از امیال و تعصبا میسر نیست. باید افرادی مورد اعتماد با وجدانهای بیدار و اندیشه های روشن که به اصول اسلام آگاهند و از علوم و مناسبات اقتصادی معاصر نیز مطلعند، گرد هم آیند و با تکیه بر کتاب و سنت و دلیل و برهان به بحث و پژوهشی در ابعاد چهارگانه انسان بپردازند.

برای آن که تصویری روشن از اصول ارزشهای زیبایی، و مبانی احکام اجتماعی، و شالوده های فقه سیاسی و اصول معاملات اقتصادی بر اساس اندیشه های اسلامی به مردم ارائه کنیم، باید به کار و کوششی مشترک بپردازیم.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی